

به نام خدا

# ساخت مدارس تاب آور، راهبردهایی برای مدیران

مؤلف :

امیررضا خدیبی

انتشارات سایه نخل

(با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

[chaponashr.ir](http://chaponashr.ir)

سرشناسه: خدیبی، امیررضا، ۱۳۷۸.  
عنوان و نام پدیدآور: ساخت مدارس تاب آور، راهبردهایی برای مدیران/ مولف امیررضا خدیبی.  
مشخصات نشر: سایه نخل، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۱۲۹ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۶۸۵-۳-۴  
وضعیت فهرست نویسی: فیفا  
یادداشت: کتابنامه: ص ۱۲۹-۱۱۱.  
موضوع: مدارس تاب آور - راهبردها - مدیران  
رده بندی کنگره: GN۴۶۲  
رده بندی دیویی: ۳۰۶/۴۹۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۶۴۷۰۱  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا

نام کتاب: ساخت مدارس تاب آور، راهبردهایی برای مدیران

مولف: امیررضا خدیبی

ناشر: انتشارات سایه نخل

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۱۱۷۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۶۸۵-۳-۴

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست مطالب

۵	بخش اول.....
۵	مدیریت در آموزش و پرورش.....
۵	پیشینه تاریخی.....
۸	تحلیل های ساختاری.....
۱۱	تأثیرات فرهنگی بر سبک های مدیریتی.....
۱۴	دین و مدیریت آموزشی.....
۱۷	روندهای معاصر در رهبری آموزشی.....
۲۰	چالش های کلیدی پیش روی مدیران در مدارس.....
۲۲	تأثیر تغییرات سیاسی بر رهبری آموزشی.....
۲۴	آموزش و توسعه رهبری در ایران.....
۲۷	بخش دوم.....
۲۷	مهارت های مدیریتی.....
۲۷	مدیریت رویایی: تعیین اهداف و انتظارات واضح.....
۲۹	تصمیم گیری: متعادل کردن سرعت با دقت.....
۳۲	ارتباط موثر: پل زدن شکاف ها و ایجاد روابط.....
۳۴	هوش هیجانی: شناخت خود و دیگران.....
۳۷	مدیریت تغییر: پیمایش از طریق عدم قطعیت ها.....
۳۹	حل تعارض: حفظ هماهنگی و بهره وری.....
۴۲	مدیریت زمان: اولویت بندی برای تاثیر.....
۴۶	پرورش فرهنگ یادگیری مستمر.....
۴۹	بخش سوم.....
۴۹	شیوه های مدیریت و تأثیر آنها.....
۴۹	رهبری اقتدارگرا: جوانب مثبت و منفی.....
۵۱	رهبری تحول آفرین: الهام بخش تغییر و نوآوری.....
۵۴	رهبری خدمتگزار: پرورش یک محیط حمایتی.....

۵۷	رهبری دموکراتیک: تشویق مشارکت و بازخورد.....
۵۹	رویکرد رهبری ترکیبی: انطباق با موقعیت‌های مختلف.....
۶۲	رهبری در مؤسسات آموزشی ایران: ویژگی‌های منحصر به فرد.....
۶۴	ارزیابی و انتخاب سبک رهبری مناسب.....
۶۷	بخش چهارم.....
۶۷	مدیرانی با ظرفیت بالا.....
۶۷	مولفه‌های تیم‌های با عملکرد بالا در آموزش.....
۶۹	نقش اعتماد و شفافیت.....
۷۲	تفویض اختیار موثر: توانمندسازی دیگران.....
۷۵	ترویج همکاری و کار گروهی.....
۷۷	پرورش استعدادها و تشویق به رشد حرفه‌ای.....
۷۹	پرداختن به تعارضات تیمی فعالانه.....
۸۱	تجلیل از موفقیت‌ها و درس گرفتن از شکست‌ها.....
۸۵	نقش رهبری در توسعه تیم.....
۸۹	بخش پنجم.....
۸۹	راهبردهای رو به جلو.....
۸۹	شناخت منظر آموزشی در ایران.....
۹۱	توسعه چشم‌انداز روشن و قانع‌کننده.....
۹۴	همسویی چشم‌انداز با اقدام: برنامه‌ریزی استراتژیک.....
۹۶	مشارکت دادن ذینفعان در فرآیند تنظیم چشم‌انداز.....
۹۹	غلبه بر مقاومت در برابر تغییر.....
۱۰۲	نظارت بر پیشرفت و تطبیق استراتژی‌ها.....
۱۰۴	تضمین پایداری ابتکارات.....
۱۰۷	مطالعات موردی: تحولات راهبردی موفق در آموزش و پرورش ایران.....
۱۱۱	منابع و ماخذ.....
۱۱۱	منابع فارسی.....
۱۲۸	منابع لاتین.....

# بخش اول

## مدیریت در آموزش و پرورش

### پیشینه تاریخی

رهبری آموزشی نقشی محوری در شکل دادن به چشم انداز آموزشی هر کشور ایفا می کند. در متن ایران، ملتی با تاریخ و میراث فرهنگی غنی، تحول رهبری آموزشی عمیقاً با تحولات تاریخی، اجتماعی و سیاسی آن عجین شده است. این بخش به بررسی اجمالی تاریخی رهبری آموزشی در ایران می پردازد و سیر آن را از ایران باستان تا ایران امروزی بررسی می کند. هدف این است که درک جامعی از چگونگی تکامل رهبری در آموزش در طول زمان ارائه دهد و چهره‌های کلیدی، سیاست‌ها و رویدادهایی را که چشم‌انداز رهبری آموزشی فعلی در کشور را شکل داده‌اند، برجسته کند.

ریشه‌های رهبری آموزشی در ایران را می توان در ایران باستان جستجو کرد، تمدنی که به دلیل پیشرفت در زمینه‌های مختلف از جمله آموزش شناخته شده است. امپراتوری‌های ایرانی مانند هخامنشیان و ساسانیان به اهمیت آموزش و نقش رهبران در پرورش آن پی بردند. قابل ذکر است که کوروش کبیر که از سال ۵۵۹ تا ۵۳۰ قبل از میلاد بر امپراتوری هخامنشیان حکومت می کرد، به دلیل رویکرد روشنگرانه اش به رهبری و آموزش ستایش می شود. او را به ایجاد اولین منشور حقوق بشر و ترویج تبادل فرهنگی و آموزشی نسبت می دهند.

نظام آموزشی ایرانی در دوره هخامنشی با حضور مغان، طبقه روحانی که مسئول آموزش اخلاق و ارزش‌ها بودند، مشخص می شد. این شکل اولیه رهبری آموزشی بر رشد اخلاقی و اخلاقی تأکید داشت. رهبران آموزشی، در این زمینه، شخصیت‌های مذهبی

بودند که در شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای جامعه نقش بسزایی داشتند (یارشاطر، ۱۳۶۱، ص ۷۵).

با ظهور اسلام در قرن هفتم، عصر جدیدی از رهبری آموزشی در ایران آغاز شد. علما و پیشوایان اسلامی مانند ابن سینا و فارابی سهم بسزایی در تعلیم و تربیت و فلسفه داشتند که تأثیر ماندگاری در منطقه داشت. تأسیس مدارس، مراکز آموزشی و ترویج تعلیمات دینی، مرحله جدیدی را در رهبری آموزشی رقم زد (رضوی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴).

در این دوره، رهبران آموزشی اغلب علمای دینی بودند که نقشی دوگانه به عنوان راهنمای معنوی و آموزشی داشتند. نفوذ آنها فراتر از آموزش بود و رشد اخلاقی و اخلاقی را در بر می‌گرفت و با اصول اسلامی همسو می‌شد. ادغام آموزه‌های دینی در نظام آموزشی، تغییر قابل توجهی را در فلسفه رهبری آموزشی در ایران رقم زد.

سلسله صفویه (۱۵۰۱-۱۷۳۶) تغییراتی را در نظام آموزشی و رهبری ایجاد کرد. در این دوره، دولت نقش فعال تری در سازماندهی و رسمی کردن آموزش و پرورش ایفا کرد. تأسیس مدارس رسمی و انتصاب مربیان توسط دولت نشانگر تغییر به سمت رهبری آموزشی متمرکز بود.

رهبران آموزشی در عصر صفویه از سوی دولت منصوب می‌شدند و مسئولیت اداره و اداره مؤسسات آموزشی را بر عهده داشتند. این نشان دهنده گذار از علمای دینی به رهبران آموزشی منصوب از سوی دولت بود. برنامه درسی تا حد زیادی تحت تأثیر آموزه‌های دینی بود، اما دروس دیگری مانند ریاضیات، نجوم و پزشکی را نیز در بر می‌گرفت (بیات، ۱۳۸۴، ص ۸۲).

سلسله قاجار که از سال ۱۷۸۹ تا ۱۹۲۵ بر ایران حکومت می‌کرد، شاهد ورود تدریجی آموزش به سبک غربی و نفوذ الگوهای اروپایی رهبری آموزشی بود. در این دوره، ایران اولین مؤسسات آموزشی مدرن خود را تأسیس کرد و ایرانیان تحصیلکرده غرب شروع به ایفای نقش برجسته تری در مناصب رهبری کردند.

رهبران آموزشی در عصر قاجار در معرض روش‌های آموزشی و اصول رهبری غربی بودند. برنامه درسی گسترش یافت و طیف وسیع تری از موضوعات را در بر گرفت که منعکس کننده تأثیر سیستم های آموزشی اروپا بود. عصر قاجار دوره گذار را رقم زد، زیرا ایران در پی نوسازی نظام آموزشی و اتخاذ شیوه های جدید رهبری بود (بهرآوش، ۲۰۱۸، ص ۱۱۲).

دوران پهلوی، تحت حکومت رضاشاه (۱۹۲۵-۱۹۴۱) و پسرش محمدرضا شاه (۱۹۴۱-۱۹۷۹)، شاهد نوسازی و تمرکز قابل توجهی در نظام آموزشی بود. دولت با هدف همسویی آموزش با اهداف ملت سازی و نوسازی، نقش قاطع تری در رهبری آموزشی ایفا کرد.

در این دوره، رهبران آموزشی اغلب توسط دولت مرکزی منصوب می شدند و مسئول اجرای سیاست های آموزشی دولت محور بودند. برنامه درسی بیشتر استاندارد شد و الگوهای آموزشی غربی همچنان بر سیستم تأثیر گذاشت. دوران پهلوی تغییر به سمت رویکرد متمرکزتر و اقتدارگرایانه تر به رهبری آموزشی را نشان داد (سعادت‌مند، ۱۳۸۹، ص ۳۷).

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تحول مهمی در رهبری آموزشی در ایران به وجود آورد. دولت جدید به رهبری آیت‌الله روح‌الله خمینی بر اهمیت تربیت دینی و نقش ارزش‌های اسلامی در شکل‌دهی نظام آموزشی تأکید کرد. این نشان دهنده بازگشت به تأثیر رهبران دینی در رهبری آموزشی بود (رستمی و امین، ۱۳۹۶، ص ۶۸).

از رهبران آموزشی در ایران پس از انقلاب انتظار می رفت که ارزش ها و آموزه های اسلامی را ترویج کنند. برنامه درسی دستخوش تغییراتی شد تا مبانی جمهوری اسلامی را منعکس کند. انقلاب نشانگر تجدید حیات رهبری آموزشی مبتنی بر دین، با تأکید بر رشد اخلاقی و اخلاقی همسو با ارزش‌های اسلامی بود.

در ایران معاصر، رهبری آموزشی همچنان تحت تأثیر تأثیر متقابل دین، دولت و ارزش‌های اجتماعی است. نظام آموزشی منعکس کننده تلفیقی از آموزه های دینی

سنتی و اصول آموزشی مدرن است. رهبران آموزشی مسئول اجرای سیاست های دولت و حصول اطمینان از همسویی آموزش با ارزش های اسلامی و منافع ملی هستند (خراسانی، ۱۳۹۸، ص ۸۸).

نظام آموزشی ایران در زمینه دسترسی و ثبت نام پیشرفت های چشمگیری داشته است. با این حال، چالش هایی مانند اصلاح برنامه درسی، آموزش معلمان، و رسیدگی به نیازهای جمعیت های متنوع دانش آموزی همچنان باقی است. رهبران آموزشی در ایران با وظیفه متعادل کردن ارزش های سنتی با خواسته های دنیای جهانی شده به سرعت در حال تغییر روبرو هستند (فرزان و احمدی، ۲۰۲۱، ص ۲۰۵).

مروری تاریخی بر رهبری آموزشی در ایران، تأثیر متقابل پیچیده ای از مذهب، فرهنگ و نفوذ دولت را آشکار می کند. رهبری آموزشی ایران از ریشه های خود در ایران باستان تا دوران معاصر به طور قابل توجهی تکامل یافته است. نقش رهبران آموزشی از علمای دینی به مقامات دولتی منصوب شده و به تأکید بر ارزش های دینی تغییر کرده است که منعکس کننده چشم انداز اجتماعی-سیاسی در حال تغییر است.

درک مسیر تاریخی رهبری آموزشی در ایران برای سیاستگذاران، مربیان و دانش پژوهان بسیار مهم است زیرا آنها چالش ها و فرصت های موجود در نظام آموزشی ایران را بررسی می کنند. این یک یادآوری است که تکامل رهبری آموزشی یک فرآیند مداوم است که توسط پویایی های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور شکل می گیرد.

## تحلیل های ساختاری

نظام آموزش و پرورش ایران مجموعه ای پیچیده و چندوجهی است که تحت تأثیر عوامل تاریخی، فرهنگی و سیاسی شکل گرفته است. برای دستیابی به درک جامعی از رهبری آموزشی در ایران، انجام یک تحلیل ساختاری از نظام آموزشی ایران ضروری است. این بخش به جنبه های ساختاری سیستم می پردازد، سازمان، اجزا و ویژگی های کلیدی آن را بررسی می کند. هدف این است که بینشی در مورد پیچیدگی های

ساختاری نظام آموزشی ایران و چگونگی تلاقی آنها با بافت وسیع‌تر رهبری آموزشی ارائه شود.

نظام آموزش و پرورش ایران در چندین سطح متمایز سازماندهی شده است که هر یک ویژگی‌ها و کارکردهای منحصر به فرد خود را دارند. این سیستم شامل آموزش رسمی و غیررسمی می‌شود و نهادها و سازمان‌های مختلفی در چشم‌انداز آموزشی کلی مشارکت دارند.

آموزش پیش دبستانی: آموزش پیش دبستانی اجباری نیست، اما به عنوان پایه ای مهم برای آموزش رسمی کودک عمل می‌کند. این شامل مهدکودک‌ها و مهدکودک‌ها می‌شود که اغلب توسط نهادهای خصوصی یا وزارت آموزش اداره می‌شوند. آموزش پیش دبستانی اخیراً به سیستم آموزشی ایران اضافه شده است که نشان دهنده شناخت روزافزون اهمیت آموزش در دوران کودکی است (آزادی، ۱۳۹۰، ص ۶۳).

آموزش ابتدایی: آموزش ابتدایی در ایران اجباری است و به عنوان مرحله اولیه آموزش رسمی عمل می‌کند. شش سال طول می‌کشد و عمدتاً در مدارس دولتی ارائه می‌شود. هدف آموزش ابتدایی فراهم کردن پایه ای قوی در دروس پایه و مهارت‌های ضروری است (رحمن و حسینی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۸).

آموزش متوسطه: آموزش متوسطه به دو مرحله متوسطه اول (راهنمایی) و متوسطه عالی (دبیرستان) تقسیم می‌شود. دوره متوسطه پایین سه سال طول می‌کشد، در حالی که دوره متوسطه عالی نیز یک دوره سه ساله است. برنامه درسی در سطح متوسطه تخصصی‌تر می‌شود و به دانش‌آموزان فرصت انتخاب رشته‌های مختلف را می‌دهد (خسروی، ۱۳۹۹، ص ۹۷).

آموزش فنی و حرفه‌ای: ایران علاوه بر آموزش عمومی، دارای سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای بسیار توسعه یافته‌ای است. این موسسات آموزش و آموزش تخصصی را برای دانش‌آموزانی که مایل به دنبال کردن مشاغل فنی یا حرفه‌ای هستند ارائه می‌دهند.

این بخش در سال‌های اخیر به دلیل همسویی با اهداف توسعه صنعتی و اقتصادی کشور برجستگی پیدا کرده است (میرزایی و تیموری، ۱۳۹۱، ص ۷۵).

آموزش عالی: آموزش عالی در ایران با طیف متنوعی از دانشگاه‌ها اعم از دولتی و خصوصی مشخص می‌شود. این سیستم شامل دانشگاه‌ها، موسسات فنی و حرفه‌ای و دانشکده‌های پزشکی است. بخش آموزش عالی با تأکید فزاینده بر تحقیق و نوآوری به طور قابل توجهی گسترش یافته است (علی پور و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۱۲).

آموزش غیررسمی و غیررسمی: آموزش غیررسمی و غیررسمی در ایران به ویژه در مناطق روستایی و محروم نقش بسزایی دارد. ابتکارات مختلف مبتنی بر جامعه، سازمان‌های فرهنگی و مؤسسات مذهبی برنامه‌های آموزشی غیررسمی را ارائه می‌دهند که مکمل آموزش رسمی هستند (سرمد، ۲۰۱۸، ص ۴۶).

چندین ویژگی کلیدی مشخصه نظام آموزشی ایران است که ساختار و اولویت‌های منحصر به فرد آن را منعکس می‌کند:

برنامه درسی متمرکز: نظام آموزشی ایران دارای یک برنامه درسی متمرکز است که توسط وزارت آموزش و پرورش تدوین و تنظیم می‌شود. این امر یکنواختی در محتوا و استانداردهای آموزشی را در سراسر کشور تضمین می‌کند (جهانگرد و قاسمی، ۱۳۹۸، ص ۳۴).

تفکیک جنسیتی: در آموزش ابتدایی و متوسطه، تفکیک جنسیتی در ایران امری عادی است. مدارس دولتی بر اساس جنسیت از هم جدا می‌شوند و دانش‌آموزان دختر و پسر هر دو به آموزش دسترسی دارند. با این حال، این تفکیک پیامدهایی برای رهبری و اداره موسسات آموزشی دارد (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۸).

ارزشیابی مبتنی بر آزمون: نظام آموزشی ایران بر امتحانات برای ارزشیابی دانش‌آموزان تأکید زیادی دارد. نتایج آزمون‌های استاندارد سراسری، مانند آزمون کنکور برای پذیرش دانشگاه، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین چشم‌انداز تحصیلی و شغلی دانشجویان دارد (گل محمدی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹).

تعلیم و تربیت دینی: نظام تعلیم و تربیت ایران شامل آموزش دینی است که جنبه اساسی برنامه درسی است. دانش آموزان در زمینه معارف اسلامی آموزش می بینند و ارزش های دینی در چارچوب آموزشی ادغام می شوند (ابراهیمی و غلامی، ۲۰۱۸، ص ۵۲).

کنترل دولت: دولت ایران کنترل قابل توجهی بر سیستم آموزشی، از جمله توسعه برنامه درسی، انتصاب معلمان، و تخصیص بودجه اعمال می کند. این کنترل متمرکز عامل مهمی در رهبری آموزشی و تصمیم گیری است (حسینی و صالحی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۱).

نظام آموزشی ایران با طیفی از چالش ها از جمله مسائل مربوط به اصلاح برنامه درسی، تربیت معلم و تضمین کیفیت مواجه است. علاوه بر این، پرداختن به نیازهای جمعیت های متنوع دانش آموزی و همسویی آموزش با خواسته های جهانی که به سرعت در حال تغییر است، نگرانی های مداومی است.

تحلیل ساختاری نظام آموزشی ایران برای درک پیچیدگی های رهبری آموزشی در ایران ضروری است. سازمان، اجزاء و ویژگی های کلیدی این سیستم در طول زمان تکامل یافته است و منعکس کننده بافت منحصر به فرد فرهنگی و سیاسی کشور است. این تحلیل بینش های ارزشمندی را برای سیاست گذاران، مربیان و محققانی که به دنبال درک پویایی رهبری آموزشی در ایران هستند، ارائه می دهد.

## تأثیرات فرهنگی بر سبک های مدیریتی

مطالعه سبک های رهبری در زمینه آموزش ایرانی، بدون کاوش در تأثیرات عمیق فرهنگی که شیوه های رهبری را شکل می دهند و تعریف می کنند، ناقص است. جامعه ایران عمیقاً در میراث فرهنگی خود ریشه دارد که نقش مهمی در سبک ها و استراتژی های رهبری بکار گرفته شده در بخش آموزش ایفا می کند. هدف این بخش ارائه تحلیلی عمیق از چگونگی تأثیر عوامل فرهنگی بر سبک های رهبری در آموزش و پرورش ایران است. درک این تأثیرات فرهنگی برای مربیان، سیاست گذاران و محققانی که به دنبال راهبری در پیچیدگی های رهبری آموزشی در ایران هستند، حیاتی است.

یکی از عمیق‌ترین تأثیرات فرهنگی بر سبک‌های رهبری در ایران، رواج جمع‌گرایی و ارزش‌های جمعی است. جامعه ایران بر انسجام گروهی، حمایت متقابل و احساس تعلق تأکید زیادی دارد. این ارزش‌های فرهنگی مستقیماً بر چگونگی رویکرد رهبران آموزشی به نقش‌های خود و تعامل با تیم‌های خود تأثیر می‌گذارند (محسنی، ۱۳۹۶، ص ۹۲).

رهبران آموزشی در ایران اغلب رویکردی مشارکتی و فراگیر را اتخاذ می‌کنند و به نظرات اعضای تیم خود اهمیت می‌دهند و در تصمیم‌گیری به دنبال اجماع هستند. این سبک رهبری منعکس‌کننده ترجیح فرهنگی برای تصمیم‌گیری جمعی و حل مشکلات مشارکتی است. مفهوم "ما" به جای "من" محوری برای شیوه‌های رهبری در آموزش و پرورش ایران است.

یکی دیگر از تأثیرات فرهنگی که سبک‌های رهبری را در ایران شکل می‌دهد، احترام عمیق به سلسله‌مراتب و اقتدار است. جامعه ایرانی به طور سنتی برای سن و تجربه ارزش قائل است و این احترام به اقتدار به محیط‌های آموزشی نیز کشیده می‌شود (شیرازی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵).

از رهبران آموزشی در ایران انتظار می‌رود که تجسم اقتدار و حفظ یک ساختار سلسله‌مراتبی واضح باشند. این سبک رهبری اغلب شامل تصمیم‌گیری از بالا به پایین و رویکرد رسمی به رهبری است. از رهبران انتظار می‌رود که الگو باشند و تصمیمات آنها به ندرت مورد تردید قرار می‌گیرد. درک این ترجیح فرهنگی برای سلسله‌مراتب برای رهبری مؤثر در زمینه آموزشی ایران بسیار مهم است.

فرهنگ ایرانی تأکید زیادی بر مهمان‌نوازی و ایجاد رابطه دارد. ایجاد روابط بین فردی قوی در جامعه ایرانی ضروری تلقی می‌شود و این هنجار فرهنگی به طور قابل توجهی بر سبک‌های رهبری در آموزش تأثیر می‌گذارد (حسینی، ۱۳۹۵، ص ۴۲).

رهبران آموزشی در ایران اغلب برای ایجاد روابط نزدیک با اعضای تیم، همکاران و ذینفعان خود وقت می‌گذارند. این سبک رهبری حس اعتماد و رفاقت را در جامعه

آموزشی پرورش می دهد. رهبران نه تنها مسئول دستیابی به اهداف آموزشی هستند، بلکه مسئول حفظ روابط هماهنگ درون سازمان نیز هستند.

با توجه به چشم انداز فرهنگی متنوع ایران، انتظار می رود رهبران آموزشی از نظر فرهنگی حساس و سازگار باشند. ایران محل زندگی گروه های قومی و زبانی مختلف است که هر کدام تفاوت های فرهنگی خاص خود را دارند. رهبران آموزشی باید با این تفاوت های فرهنگی هماهنگ باشند و بتوانند سبک های رهبری خود را بر این اساس تطبیق دهند (احمدی و عزیزی، ۲۰۲۰، ص ۶۴).

حساسیت فرهنگی در رهبری شامل احترام به ارزش های فرهنگی، هنجارها و سنت های گروه های مختلف در جامعه آموزشی است. همچنین شامل تطبیق راهبردهای رهبری برای پاسخگویی به نیازهای متنوع دانش آموزان، معلمان و والدین با زمینه های فرهنگی مختلف است.

تأثیرات فرهنگی بر سبک های رهبری در ایران غالباً رهبران آموزشی را ملزم می کند تا تعادل ظریفی بین نوآوری و سنت ایجاد کنند. در حالی که ارزش های فرهنگی سنتی عمیقاً مورد احترام هستند، از رهبران نیز انتظار می رود که پیشرفت و نوآوری را در سیستم آموزشی تسهیل کنند (کیانی، ۲۰۱۹، ص ۷۸).

رهبران آموزشی باید در رویکردهای خود نوآور باشند و روش های آموزشی و فناوری نوین را در کنار هم حفظ کنند و هویت فرهنگی و ارزش های ذاتی آموزش ایرانی را حفظ کنند. این چالش رهبری پویا برای همگام شدن با تغییر چشم انداز آموزشی جهانی ضروری است.

تأثیرات فرهنگی بر سبک های رهبری در آموزش ایرانی جنبه ای حیاتی و اغلب نادیده گرفته شده در تحقیقات رهبری است. درک اینکه چگونه عوامل فرهنگی شیوه های رهبری را شکل می دهند برای پرورش رهبری موثر در زمینه آموزشی ایران ضروری است. از جمع گرایی و احترام به سلسله مراتب گرفته تا مهمان نوازی و سازگاری

فرهنگی، این تأثیرات فرهنگی بینش های ارزشمندی را در مورد پیچیدگی های رهبری در ایران ارائه می دهند.

رهبران آموزشی در ایران باید تعامل پیچیده بین سنت و مدرنیته، اقتدار و همکاری، و حساسیت و نوآوری فرهنگی را دنبال کنند. با تصدیق و پذیرش این تأثیرات فرهنگی، رهبران آموزشی می توانند به طور مؤثری جوامع آموزشی متنوع را رهبری و الهام بخشند و به پیشرفت آموزش ایرانی در جهانی که به سرعت در حال تغییر است کمک کنند.

### دین و مدیریت آموزشی

دین نقش مهم و ماندگاری در شکل گیری رهبری آموزشی در ایران داشته است. آمیختگی ارزش ها، باورها و اصول دینی با نظام آموزشی تأثیر عمیقی بر شیوه های رهبری، برنامه درسی و اخلاق آموزش ایرانی گذاشته است. این بخش به بررسی نقش دین در شکل دهی رهبری آموزشی در ایران می پردازد و تحلیلی عمیق از چگونگی نفوذ تأثیرات مذهبی در چشم انداز آموزشی ارائه می کند و همچنان ادامه دارد.

تأثیر مذهبی بر رهبری آموزشی در ایران ریشه در ایران باستان دارد، جایی که دین زرتشتی مذهب غالب بود. آموزه های زرتشتی بر دانش آموزی و اهمیت تربیت اخلاقی و اخلاقی تأکید داشت. رهبران مذهبی، معروف به مجوس، نقش محوری در انتقال ارزش های اخلاقی به جوانان داشتند (یارشاطر، ۱۹۸۲، ص ۷۹).

ظهور اسلام در قرن هفتم تحولی عمیق در رهبری آموزشی در ایران به وجود آورد. علما و رهبران اسلامی، مانند ابن سینا و فارابی، آموزه های دینی را با آموزش کلاسیک ترکیب کردند. مدارس، مؤسسات آموزشی دینی، با تأکید بر آموزه های قرآن و حدیث، سخنان و اعمال حضرت محمد(ص) در این زمینه محوری بودند (رضوی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰).